

## پیام شورای مرکزی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست به گنگره وحدت "پ د اس" و "واسگ" آلمان

رفقا ودوستان گرامی هم‌زمان عرصه کار وپیکار!

برگزاری کنگره وحدت را به شما شرکت کنندگان در کنگره و طبقه کارگر آلمان شادباش می‌گوئیم.

گنگره وحدت شما در شرایط بسیار حساسی برگزار میشود.

هم اکنون سرمایه جهانی در وضعیتی قرار دارد که شرکت های انگشت شمار فراملیتی عرصه های مختلف اقتصاد جهان را به انقیاد خود درآورده اند. شرکت‌هایی که برای کسب سود بیشتر کارگران را اخراج میکنند و در همان زمان برای بهره‌وری بیشتر کار به تشدید استثمار دست می‌زنند. از یک سو سطح پایه حقوق را تقلیل میدهند و از سوی دیگر قیمت مایحتاج عمومی را بالا می‌برند و دست آورد طبقه کارگر وتوده های زحمتکش مردم در زمینه بهداشت ، تامین اجتماعی ، حقوق بیکاری و آموزش وغیره را نابود میکنند. نتیجه چنین روندی بحران اضافه تولید است که بازارهای موجود قدرت جذب آن را ندارند. بحرانی بلند مدت با دوره های کوتاه رونق. چنین است وضعیتی که حتی ایالات متحده آمریکا که کنترل مهار مواد خام وبازارهای جهانی را در دست دارد با آن روبروست و هم اکنون با هزاران میلیارد دلار بدهی خارجی و داخلی دست به گریبان است.

دلایل چنین وضعیتی اولاً برمیگردد به کارکرد سرمایه و دوما تحولاتی که در یکی دو دهه اخیر تحت عنوان نئولیبرالیسم و جهانی شدن در عرصه سرمایه داری ظاهر شده ونقش مهمی در تحولات اقتصادی واجتماعی جهان بازی کرده است. سیاست برداشتن هرگونه سد و مانع قانونی وغیرقانونی که حرکت سرمایه و کالا را محدود ورقابت آزاد در بازار سرمایه داری را با اختلال مواجه سازد . سیاست تضمین بی قید و شرط خروج اصل وفرع سرمایه و لغو ویا تعدیل مقررات گمرکی ، خصوصی سازی صنایع و موسسات ، توسل به جنگ و سلطه ، محدود کردن دامنه جنبش کارگری وسرکوب آن ، حذف قوانین ومقررات مربوط به حقوق کارگران بویژه در امر قراردادهای دسته جمعی بیمه های بیکاری وبیمه های اجتماعی حق اعتصاب و تشکلات مستقل . حذف یارانه های دولتی به کالاهای ضروری ، خصوصی سازی تمام موسسات عمومی نظیر تلفن ، برق ، گاز ، خدمات بهداشتی ، آموزش و پرورش و درمانگاه ها که تماماً این سیاست ها بوسیله بانگ جهانی و صندوق بین المللی پول و فرمان نهاد ها وموسسات امپریالیستی که تاکنون همه جا باعث ورشکستگی وخانه خرابی و فقر ونداری و بیکاری شده است ،انجام میگردد. برخلاف مداحان سرمایه ، نئولیبرالیسم نه تنها بهبودی در وضعیت کشورها بویژه کشورهای عقب مانده سرمایه داری بوجود نیاورده است. بلکه باعث عقب ماندگی و بدهی بیشتر آنها شده است . در عین حال نقل وانتقال سرمایه به کشورهایی که در آنجا دستمزد ها پائین است ، موجب افزایش بیکاری در کشورهای متروپل گردیده است وضعیت آلمان بین سال ۲۰۰۱ تا به حال نمونه خوبی بشمار میرود که شما خود بیش از مابا آن آشنا هستید.

رفقا! تجربه میلیاردها انسان درسراسر جهان مبین این واقعیت است که تسلط نئولیبرالیسم جز بحران و ناهنجاریهای اجتماعی نتیجه دیگری دربر نداشته است، علاوه بر آنها تخریب محیط زیست از طریق

آلوده کردن آبها ، نابودی جنگلها ، رها کردن فضولات کارخانه ها مواد گازی شیمیائی ، بهره کشی گسترده از کار کودکان بطوریکه بنا برآمار سازمان ملل بیش از ۲۵۰ میلیون کودک ۵ تا ۱۲ سال به اشتغال درکارخانه ها و مزارع مشغولند و بیش از شش میلیون درمعادن به شدید ترین وجهی اشتغال میشوند. بعلاوه گسترش فحشا و فروش کودکان به یک تجارت سود آور تبدیل شده است سرمایه دران با کنارنهادن هرگونه ملاحظه ای صد ها هزار کودک وزن جوان را از کشور ومحل زندگی خود آورده کرده به تن فروشی در نقاط مختلف جهان بویژه کشورهای متروپل وادار میکنند.

اما کار به اینجا ختم نمیشود. انحصارات سرمایه داری حق حاکمیت ملت ها، را زیر پا میگذارند تا قدرت سیاسی اشان را نیز جهانی کنند . امروز درهمه جا در زیر چتر کمپانیهای بزرگ شاهد قدرت گیری مافیای مالی و نظامی هستیم که از طریق مناسبات بهم تنیده با محافل قدرتمند بویژه درآمریکا برای فائق آمدن بر بحران موجود تمام مقررات وقوانین بین المللی را به هم میزنند و یا آنها را با تفسیر خود درخدمت اقدامات سلطه طلبانه وتجاوزکارانه خود میگیرند. تیجه آن گسترش نظامی گری و جنگ و پلیسی کردن جامعه است که دراروپا و آمریکا هم به بی سابقه ترین شکلی شاهد آن هستیم.

دولت ایالات متحده بمثابه نماینده سیاسی انحصارات نفتی ونظامی بمنظور غلبه بربحران اقتصادی خود، تسلط کامل برمنابع نفتی خاورمیانه ودربای خزر را دردستور قرارداد. آنها امید وارند در پی جنگ درعراق و افغانستان واعلام «جنگ نامحدود علیه ترورسم» نه تنها حوزه های نفتی ، بازار مصرف ونیروی کارآرزان این مناطق را دراختیار بگیرند، بلکه همچنین به زرادخانه جنگی خود رونق بخشند. چرا که به اعتقاد امپریالیسم، درشرایط رکود اقتصادی فعالیت شرکت های اسلحه سازی میتواند تحرک لازم را درسایر بخشها ایجاد کند.

این امر طبیعتا جز دامن زدن به جنگهای محلی ومنطقه ای امکان پذیر نمیشد.

بدین ترتب روشن است که هدف اصلی «جنگ بر ضد تروریسم» تسلط بر منابع طبیعی نیروی کار ارزان وبازارهای منطقه وجهان است.

اما شکست حمله نظامی به عراق وافغانستان ، پیروزی چپ ها در چند کشور آمریکای لاتین وگسترش مبارزه علیه جنگ وتجاوز ، ستم و استثمار وده ها واقعه دیگر نشان میدهد که امپریالیست ها برغم زرادخانه مدرن تسلیحاتی کشتار جمعی و بی رحمی در به کاربرد آنها علیه انسانها اما قادر مطلق نبوده و نمیتوانند دربرابر مبارزات و مقاومت جنبشهای اجتماعی و انقلابی دوام بیاورند.

روشن است که دربرابر سیاست های انحصارات سرمایه داری که مردم جهان را به نابودی تهدید میکند ،جنبشهای اجتماعی از پای ننشسته اند ،علاوه بر مبارزات طبقه کارگر وزحمتکشان کشورهای مختلف، بویژه مقاومت درکشورهائی که مورد تجاوز آمریکا ومتحدین آن قرار میگیرند ، درسطح جهان نیز شاهد شکل گیری پدیده ای بنام مبارزه علیه جهانی شدن سرمایه دارانه هستیم .جنبشی که بعد از یک دوره رکود چشم انداز مبارزه ای گسترده علیه سرمایه داری را میگذشاید . این جنبش که درنوامبر ۱۹۹۹ از سیاتل آغاز شد درمدت اندکی به یک جنبش جهانی ضد جنگ وضد جهانی شدن عملا علیه سرمایه داری معاصر وتبعات آن پا به صحنه مبارزه گذاشته است. وظیفه نیروهای کمونیست وانقلابی است که ضمن درک محدودیت این مبارزه وپرهیز از دنباله روی ازآن، درآن تاثیر مثبت بگذارند و

به ایجاد پیوند این جنبش ضد جنگ و ضد سرمایه داری به جنبشهای اجتماعی و طبقاتی سایر کشورهای جهان بویژه کشورهای متاخر سرمایه داری یاری رسانند.

رفقا

تعرض سرمایه داری به سطح معیشت کارگران و زحمتکشان در سراسر جهان سیاست تحدید و نابودی دست آوردهای طبقه کارگر و سیاست سلطه طلبانه ، جنگ افروزانه و تجاوزکارانه امپریالیسم بی توجهی آمریکا به سازمان ملل و افکار عمومی جهان در حمله به عراق و افغانستان و فجایعی که تاکنون بار آورده و تهدیدات آشکار حمله نظامی به ایران و تهدید به استفاده از بمب اتمی، ادامه درگیری و لاینحل ماندن مسئله فلسطین ، اتحادها و اختلافات بین قطب های مختلف سرمایه داری ، موقعیت جنبش طبقاتی کارگران همه و همه مسائل مهمی را در سطح جهان مطرح کرده است که لزوم اتخاذ یک سیاست انترناسیونالیستی را در دستور گردانهای طبقه کارگر و احزاب و سازمانهای انقلابی آن قرا داده است.

علاوه بر آن همزمان با حضور نظامی آمریکا در منطقه و گستر مبارزات آزادیخواهان و برابری طلبانه بمثابه آلترناتوی در برابر جناح های مختلف سرمایه جهانی و ارتجاع منطقه و مافیائی که در پوشش مذهب و باورهای توده های مردم به یک کشمکش خونین باهم دیگر دست یازیده و به قتل و غارت توده های مردم مشغول اند ، در حال شکل گیری است، که گسترش مبارزات مستقل آزادیخواهان و برابری طلبانه با سمت گیری سوسیالیستی از آنجمله است که بویژه در ایران خود را در اعتراضات کارگری ، تظاهرات معلمان ، دانشجویان زنان و سایر اقشار زحمتکش متبلور میسازد.

از همین رو اکنون شکل گیری یک جنبش ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری و ضد استبداد و ارتجاع مذهبی و ضد جنگ و تجاوز امپریالیستی در منطقه نیز به وظیفه مبرم نیروهای مترقی انقلابی و سوسیالیست تبدیل شده است.

دریک چنین شرایط حساسی از برهه زمان، تلاش برای وحدت و انسجام نیروهای انقلابی و سوسیالیست ولو در سطحی محلی و کشوری و منطقه ای نیز از اهمیت شایانی برخوردار است و برگزاری کنگره وحدت از طرف شما گام بسیار مهمی در جهت اتحاد گردانهای پیشرو طبقه کارگر محسوب می شود و ما از این جهت گیری شما پشتیبانی میکنیم و در برگزاری این کنگره و اتخاذ تصمیماتی انقلابی برایتان آرزوی موفقیت می نمائیم.

زنده باد طبقه کارگر آلمان

زنده باد همبستگی جهانی کارگران

زنده باد سوسیالیسم

**شورای مرکزی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست – ایران**

مارس ۲۰۰۶

